

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۴-۹۵
رشته فقه و روای مهر ۹۳

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۹۴۱/۰۹
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۶
عنوان:	اصول فقه ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول - الحلقة الثالثة
محدوده:	جزء اول: از ابتدای درس ۶۸ (المسئولیت عن المقدمات قبل الوقت) تا پایان کتاب (ص ۲۱۷-۳۴) و جزء دوم: از ابتدای کتاب تا پایان درس ۱۴ (الاستحباب الاحتیاط) (ص ۸۰-۱۵)

ردیف:		
صورتی:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴
نمره ضریبی:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۶
مست باطنی: ۷۰ دقیقه	مست باطنی: ۸۰ دقیقه	
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- در صورت استحاله قصد امتثال امر در متعلق امر، اختلاف بین واجب تعبدی و توصلی مربوط به کدام عالم است؟ جزء اول ص ۳۵۰ و ۳۵۱

- الف. عالم حکم
 ب. عالم ملاک
 ج. عالم امتثال
 د. عالم حکم و ملاک

۲- شهید صدر (ره) چه دلیلی برای تلازم بین «حب شیء» و «حب مقدمه اش» بیان می‌کند؟ جزء اول ص ۳۷۱

- الف. شهادة وجدان
 ب. برهان عقلی
 ج. سیره عقلاء
 د. تبادر

۳- امر و نهی در «صل» و «لا تصل فی الحمام» در کدام صورت با هم تنافی ندارند؟ جزء اول ص ۳۸۴

- الف. مبادی وجوب به افراد سرایت کند.
 ب. وجوب از طبیعی به افراد سرایت کند.
 ج. وجوب «صل» به افراد تعلق گرفته باشد.
 د. وجوب و مبادی فقط به جامع تعلق گرفته باشد.

۴- به نظر شهید صدر (ره) کدام گزینه درباره «ملازمات بین حکم عقل و شرع» صحیح است؟ جزء اول ص ۴۱۲

- الف. الملازمة ثابتة إذا كان الحسن و القبح مجموعین عقلائین
 ب. الملازمة ثابتة إذا كان الحسن و القبح أمرین واقعیین
 ج. لا ملازمة بین حکم العقل العملي و حکم الشارع
 د. حکم العقل العملي یلازم عدم حکم الشارع

۵- جواب شهید صدر (ره) به اشکال صاحب کفایه (ه): «لا یمکن تصویر الجامع بین التکلیف و الموضوع فی حدیث الرفع لان اسناد الرفع الی التکلیف حقیقی و اسناده الی الموضوع مجازی» چیست؟ جزء دوم ص ۶۱

- الف. یمکن اجتماع المجازی و الحقیقی
 ب. اسناد الرفع الی الموضوع حقیقی
 ج. اسناد الرفع الی التکلیف مجازی
 د. اسناد الحقیقی و المجازی واحد

۶- به نظر شهید صدر (ره) احتیاط در عبادتی که اصل مطلوبیتش مشکوک است چگونه آورده شود تا صحیح باشد؟ جزء دوم ص ۷۹

- الف. به قصد امر استحبابی احتیاط
 ب. به قصد امر احتمالی آن
 ج. به قصد امر واقعی اش
 د. بدون قصد امر

۷- با توجه به عبارت «ان القدرة المأخوذة قیداً فی الوجوب، ان كانت عقلیة، ... فهذا یعنی ان المکلف بترکه للمقدمة المفوتة یعجز نفسه عن تحصیل الملاک مع فعلیته فی ظرفه و هذا لا یجوز عقلاً، لأن تفویت الملاک بالتعجیز، کتفویت التکلیف بالتعجیز»، شهید صدر (ره) چگونه مسئولیت مکلف نسبت به مقدمات دائماً مفوتة را توجیه می‌کند؟ جزء اول ص ۳۴۲ - ۲ نمزه

- الف. ایشان هر جایی که مقدمه مفوتة دائمی باشد قدرت مأخوذ در واجب را عقلی می‌داند، لذا چون قدرت عقلی نقشی در اتصاف فعل به ملاک و مصلحت ندارد اگر شخص، مقدمه مفوتة را ترک کند باعث می‌شود که مکلف خودش را از فعلی که برایش مصلحت داشته، عاجز کند، و این عقلاً جایز نیست، مانند جایی که تکلیف در حق مکلف فعلی است و او خود را از اتیان تکلیف عاجز کند.

۲

۸- شهید صدر (ره) در عبارت «إذا سلمنا أن ما يفوت على المكلف بسبب الحجة الظاهرية من مصالح لا بد أن تضمن الحجة تداركه، إلا أن هذا لا يقتضي افتراض مصلحة إلا بقدر ما يفوت بسببها» نقدی بر برهان «ملازمه بین امر ظاهری با اجزاء» بیان می‌کند، برهان و نقد آن را بنویسید. جزء اول ص ۳۸۰ - ۲ نمره

جواب: از لحاظ عقلی، امر ظاهری هنگام مخالفت با واقع، دلالت بر وجود مصلحتی در خود دارد که این مصلحت، جبران‌کننده آن ملاک واقعی است که از مکلف به علت تبعیت از امر ظاهری فوت شده است؛ زیرا اگر امر ظاهری در خود، مصلحتی که جابر مصلحت واقعی است نداشته باشد، صدور آن از شارع عقلاً قبیح است؛ زیرا لازمه‌اش آن است که شارع مقدس با امر به تبعیت مکلف از امر ظاهری مخالف امر واقعی، وی را محروم از مصلحت واقعی کند و یا حتی در مفسده واقعی بیاندازد. بنابراین این مکلف با تبعیت از امر ظاهری و استیفاء ملاک آن، مصلحت واقعی را تدارک کرده است. و مجالی برای اعاده واجب واقعی و قضا باقی نخواهد ماند. نقد: مقتضای استدلال مزبور آن است که حجت ظاهری لازم است همان مقدار از مصلحت واقعی را که به واسطه عمل مکلف به آن، از او فوت می‌شود، جبران کند. لذا دیگر مجزی از واقع نخواهد بود، بلکه اگر مخالفت آن با واقع در داخل وقت کشف شود، مجزی از اعاده نیست و نهایت آن که فضیلت اول وقت را جبران می‌کند. و اگر هم در خارج از وقت کشف شود، مجزی از قضا نیست، نهایت آن که مصلحت اداء در وقت را جبران می‌کند.

۹- بنابر این که حرمت مقتضی بطلان عبادت باشد، اگر حرمت به جزء و شرط عبادت تعلق بگیرد، حکم عبادت را به تفصیل بیان کنید. جزء اول ص ۴۰۴ - ۱ نمره

جواب: اگر به جزء عبادت تعلق بگیرد چون جزء عبادت عبادت است، جزء باطل می‌شود، پس اگر به این جزء اکتفا شود یا تکرار جزء مخل به عبادت باشد، کل عبادت نیز حکم بطلان پیدا می‌کند. اگر به شرط تعلق بگیرد و شرط عبادی باشد، در صورت اکتفا به آن، عبادت باطل است، ولی اگر عبادی نباشد عبادت صحیح است.

۱۰- وجه انحصار اصول عملیه عقليه در دو اصل اشتغال و برائت را از نظر شهید تبیین نمایید و بنویسید مراد از اعتراض در عبارت «و لکن قد يفرض أصل عملي عقلي ثالث و هو أصالة التخيير في موارد دوران الأمر بين المحذورين. و قد يعترض على افتراض هذا الأصل بأن...» چیست؟ جزء دوم ص ۱۹ - ۲ نمره

جواب: عقل یا حق الطاعة را ثابت می‌بیند که حکم به اصالة الاشتغال می‌کند و یا ثابت نمی‌بیند که حکم به برائت می‌کند. مراد از اعتراض: مرادتان از اصالة التخيير چیست؟ اگر مرادتان این است که تکلیف به نحو تخيير بر ذمه می‌آید یعنی مکلف یا باید انجام بدهد و یا باید ترک کند، این حرف غیر معقولی است چون جامع بین فعل و ترک ضروری الوقوع است مکلف در مقام عمل در هر صورتی از این دو حال خارج نیست یا فاعل است و یا تارک، پس حکم به تخيير لغو است چون تحصیل حاصل است. و اگر هم مرادتان این است که هیچ چیز بر عهده مکلف نمی‌آید نه واجب و نه حرمت، این همان برائت است، و دیگر نیاز به اصالة التخيير نداریم.

۱۱- با توجه به عبارت «أنه لا مقتضى للتحرك مع عدم وصول التكليف، فالعقاب حينئذ عقاب على ترك ما لا مقتضى لايجاده و هو قبيح»، استدلال میرزای نائینی بر «برائت عقليه» را تبیین نمایید و نقد شهید از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۳۶ - ۲ نمره

جواب: تکالیف وقتی محرکیت دارند که واصل شده باشند و الا وجود واقعی آن‌ها محرکیتی ندارد، به عبارت مختصر، وصول مهم است نه صدور. لذا در مقام ما، اگر شارع بخواهد بر ترک تحرك عقاب کند قبیح است چون بر چیزی عقاب کرده که هیچ مقتضی‌ای برای آن نبوده است.

نقد: این دلیل مصادره به مطلوب است چه این که میرزا فرض کرده هیچ مقتضی‌ای برای تحرك نیست لذا عقاب بر آن قبیح است در حالی که وجود و عدم مقتضی فرع سعه و ضیق دایره حق الطاعة می‌باشد، بله اگر دایره حق الطاعة ضیق باشد و تکالیف مشکوکه را شامل نشود مقتضی نیست و عقاب قبیح است و اگر دایره آن وسیع باشد و شامل موارد شک در تکلیف بشود، مقتضی برای اطاعت مولی و تحرك موجود است.

۱۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) معیار اساسی برای جریان برائت در شبهات موضوعیه چیست؟ این معیار را نسبت به اقسام شبهات موضوعیه با مثال توضیح دهید. جزء دوم ص ۷۳ و ۷۴ - ۲ نمره

جواب: معیار اساسی برای جریان برائت در شبهات موضوعیه شک در قیود تکلیف است و این قیود تکلیف گاهی هم‌سنگ مفاد کان تامه است مثل شک در وقوع زلزله که قید وجوب نماز آیات است و یا هم‌سنگ مفاد کان ناقصه است نسبت به عنوان موضوع مانند شک در خمریت مایع و یا هم‌سنگ مفاد کان ناقصه است نسبت به عنوان متعلق مانند شک در کذب بودن کلام شخص.

* سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری می‌باشد:

۱۳- وجه «استحاله» و وجه «خلاف مفروض بودن» را در عبارت «ان القطع العقلي الذي يؤخذ عدمه في موضوع الحكم، هل هو القطع بالحكم المجعول أو بالجعل؟ و الأول واضح الاستحالة. و أما الثاني ... إذ قد يصدق القاطع بالجعل بعدم فعلية المجعول، و لكن التصديق بذلك هنا خلاف المفروض» بنویسید. جزء اول ص ۴۱۵ - ۲ نمره

جواب: وجه استحاله: در عین حالی که مکلف قطع به فعلیت حکم پیدا کرده، نمی‌تواند عدم فعلیت حکم را بپذیرد. چون قطع به فعلیت با عدم فعلیت جمع نمی‌شود. وجه خلاف مفروض: طبق فرض، مکلف به جعل حکم قطع دارد. و لازمه قطع مکلف به جعل حکم، این است که مکلف به تمام ملاک حکم قطع داشته باشد و قیدی وجود ندارد که حکم منوط به آن باشد اما در ملاک اخذ نشده باشد، بنابر این مکلف نمی‌تواند قید جدیدی را بپذیرد که در ملاک وجود ندارد اما در حکم دخیل است. چون فرض بر خلاف آن است.